

رنک: نشانهای مصور در مصر مملوکی^{۱، ۲}

نگار ذیلابی

عضو هیأت علمی گروه تاریخ اجتماعی بنیاد دایرة المعارف اسلامی

و دانشجوی دکتری دانشگاه تهران
Zeylabi 1977@Yahoo.com

چکیده

رنک نشان مصوری بود که در بخشی از تشکیلات اداری و نظامی دوره ممالیک مورد استفاده قرار می‌گرفت. رنک هرامیر بر حسب مسئولیتش، نقش و رنگی متمایز از رنک دیگر امرا و صاحب‌منصبان دولتی داشت. نقش‌های رنک‌ها قابل تقسیم به سه نوع حیوانی، گیاهی و نقوش اشیاء و ابزار است که این نوع اخیر از دو نوع دیگر رایج‌تر و معمولاً معرف مقام و منصب امیر بود. مثلاً نقش دوات، نشان‌دهنده منصب دواتدار، نقش شمشیر برای سلاحدار، بقچه برای جامه‌دار و چوب و توپ چوگان نشان چوگاندار به کار می‌رفت.

در این مقاله علاوه بر بررسی رنک و انواع آن در دوره ممالیک، دو فرضیه اصلی درباره منشأ رنک و سنت علامت‌گذاری و نشانه‌پردازی در این دوره، بررسی شده است. در پایان مقاله نیز تصاویری از اشیاء و ابزار حاوی رنک مربوط به دوره ممالیک که در موزه‌های مختلف نگهداری می‌شود، ارائه شده که در تکمیل مباحث و روشن شدن مطالب مطرح شده در مقاله راهگشاست.

کلیدواژه‌ها: رنک، نشان، علامت، شعار، ممالیک.

رنک معرب رنگ فارسی (= لُون در عربی)، در اصطلاح مورخان تاریخ ممالیک به معنی شعار، علامت یا نشان مصوری بود که سلطان برای خود برمی‌گزید یا به هنگام تفویض امارت، در کنار

۱. تاریخ وصول: ۱۳۸۶/۲/۱۸؛ تاریخ تصویب: ۱۳۸۶/۱۰/۲۵.

۲. این مقاله به سفارش بنیاد دایرة المعارف اسلامی تألیف شده است و تلخیصی از آن در *دانشنامه جهان اسلام* به چاپ خواهد رسید.

دیگر لوازم مثل منشور امارت و خلعت، آن را به امیران اعطا می‌کرد. رنک هر امیر بر حسب مسؤولیتی که بر عهده داشت، دارای نقش و رنگی متمایز از رنک دیگر امرا و صاحب‌منصبان دولتی بود. کاربرد رنک در این دوره بسیار شبیه نشانها و آرمهایی است که امروزه به عنوان علامت ممیزه سازمانها و دستگاههای دولتی و جز آنها مورد استفاده قرار می‌گیرد. نشان و نماد در این معنا در واقع بیانی موجز و فشرده از مجموعه‌ای از اطلاعات است که بدون صرف وقت و تنها با یک نگاه به ذهن بیننده متبادر می‌شود.

کاربرد علائم و نشانها در حوزه‌ای عام‌تر به گذشته‌ای دور در نزد اقوام و تمدن‌های نخستین به ویژه مصریان باستان، ایرانیان و یونانیان باز می‌گردد، با این تفاوت که استفاده از آنها بیشتر به صورت نمادها و رمزهایی در حوزه ادیان و اعتقادات و اساطیر این اقوام رایج بوده و از کاربرد آن در زندگی عرفی روزانه اطلاعات کمتری در دست است.^۱

منشأ رنک

درباره منشأ رنک و سنت استفاده از نشانها به صورتی نظام‌مند در تشکیلات دولتی ممالیک اطلاعات دقیق و سودمندی در دست نیست. در این باره پرسش‌ها و فرضیات مختلفی می‌توان مطرح کرد:

۱- آیا نظام رنک در دوره ممالیک حاصل تطور طبیعی و سیر تاریخی نشانها و علامتها (شعار، شاره، علامه) در سنت تشکیلاتی حکومت‌های اسلامی است؟ به عبارت دیگر آیا رنک با نمادهای رایج در پرچمها، مهرها و تمغاها، طرازاها و ... قابل قیاس است و می‌توان گفت که این نمادهای رایج به تدریج تحول یافته، ساده‌تر شده و شکل ساده و قراردادی (استیلیزه) آنها در دوره ممالیک، رسماً در نظام رنک به کار گرفته شده است؟ برای نمونه رنگ و تصویر در پرچمها در میان ملت‌های گوناگون، حاکی از معنایی ملی یا آیینی بوده است: به نوشته منابع

۱. برای نمونه‌هایی از تصاویر رمزگون در حوزه اعتقادات و اساطیر نک: بختورتاش، نشان رازآمیز، گردونه خورشید یا گردونه مهر، صفحات متعدد، تصاویر گوی‌بالدار، نقش چلیپا، فروهر و ...؛ مونیک دوبوکور، رمزهای زنده‌جان، ۱۳: نقش برجسته آشوری درخت زندگی، ۴۴، ۴۵، ۴۶؛ نقش مار نزد مصریان حدود ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد. برای مواردی که تصاویر جنبه کاربرد در زندگی روزانه داشته مانند استفاده از تصاویر در خط‌های تصویری مثل خط هیروگلیف مصریان باستان و یا علائم مصور اعداد، روزها، ماهها و سالها در تقاویم اقوام مایایی، آزتک‌ها و اقوام آمریکای وسطی پیش از کلمب به ترتیب نک: یوهانس فریدریش، تاریخ خط‌های جهان، ۳۳ - ۴۶؛ مهران کندری، دین و اسطوره در آمریکای وسطی (پیش از کلمب)، ۱۱۴، ۱۵۰، ۲۰۷، ۲۱۱، ۲۸۲ - ۲۹۰.

چینی، قرقیزها که به رنگ قرمز احترام می‌نهادند، از آن در پرچمشان استفاده کرده بودند. در کشفیات باستان‌شناسی قرن چهاردهم و بیستم در ترکستان شرقی در تورفان دو پرچم با تصویر انسانی به دست آمده که به ترکهای مانوی تعلق داشته است. اسامی قبایل پچنگ که در منابع روم شرقی یافت می‌شود هریک بر رنگی خاص دلالت می‌کند و به عقیده برخی دانشمندان احتمالاً از رنگ پرچم‌های معمول در میان آنها گرفته شده است. قیچاقها نیز تصویر شیر، ستاره یا ماه را بر زمینه‌ای آبی رنگ بر پرچم خود نقش می‌زدند. رنگ‌ها و نقش‌های این گونه پرچم‌ها برخاسته از باورهای مذهبی کهن و سنت‌های تاریخی بود و ماهیتی نمادین داشت و رنگ و نقش آنها در دیگر علامت‌های متعلق به دستگاه‌های حکومتی نیز به کار می‌رفته است.^۱

در برخی موارد هم بنابر سنتی مشترک - مبتنی بر تأثیرات بصری یا روانشناختی رنگ‌ها - کاربرد یک رنگ خاص به موقعیت‌های ویژه‌ای وابستگی می‌یافت، مثلاً رنگ قرمز در سنت‌های گوناگون در پرچم‌های جنگ به کار می‌رفته و رنگ سفید به معنی تسلیم و صلح بوده است. برای نمونه کاشغری^۲ از قزل بیرق (پرچم سرخ) که مخصوص غزاها و ایرانیان باستان بوده و در جنگ‌ها به کار می‌رفته یاد کرده است.

از برخی اشعار شاعرانی چون انوری^۳ و ظهیر فاریابی^۴ چنین برمی‌آید که پرچم‌ها دارای نقش‌هایی از قبیل ماه، اژدها، شیر، پلنگ و هما بوده است. ابن بی‌بی^۵ نیز به نقش شیر بر پرچم سلجوقیان روم اشاره کرده است. استفاده از نقش شیر و خورشید نیز از سنن کهن ایرانی، ترکی و مغولی بوده است.^۶

گاه در تمغاها نیز از تصویر استفاده می‌شد. ترکها بر تمغاها علائمی حک می‌کردند که بعضی آن را نماد توت‌های قبیله‌ای تلقی کرده‌اند. این نقوش ابتدایی به تدریج به کلمات و عبارات و اشکال پیچیده‌تر تبدیل شد که برای قبیله از تقدس برخوردار بود، چنانکه بعضی اقوام

۱. نک: ارجح، «پرچم (۱)»، *دانشنامه جهان اسلام*، ج ۵/۳۰-۵۴۸؛ محمود کاشغری در *دیوان لغات‌الترک* علائم و نشان‌های خاص دوازده قبیله غز را ارائه کرده است.

۲. کاشغری، ۸۳/۳؛ نیز نک: راوندی، ۲۸۸.

۳. انوری، ۸۸/۱.

۴. فاریابی، ۵، ۱۰، ۱۱۱.

۵. ابن بی‌بی، ۱۷۴.

۶. درباره سیر تحول نقش شیر و خورشید نک: ارجح، «پرچم (۱)»، *دانشنامه جهان اسلام*، ج ۵/۳۰-۵۴۸.

ترک مانند قزاقها و اقوام ساکن قفقاز که هم‌چنان به سنت‌های قبیل‌های پایبندند هنوز نقش تمغای خود را فراموش نکرده‌اند.^۱ طغرل سلجوقی نیز از نقش چماق بر تمغای خود استفاده می‌کرد.^۲

۲- فرضیه دیگری که درباره منشأ اقتباس رنگ در دوره ممالیک می‌توان طرح کرد از کلیت و شمول زمانی و مکانی فرضیه اول برخوردار نیست و حوزه تحقیق محدودتری دارد. اساس این فرضیه بر روایتی از ابوالفداء مؤلف *المختصر فی اخبار البشر* مبتنی است: از روایت ابوالفداء^۳ برمی‌آید که اصناف مختلف اداری و نظامی در دوره خوارزمشاهیان هر کدام علامت‌هایی مخصوص خود به رنگ سیاه داشتند... علامت منصب دودار، دوات، علامت سلاحدار، قوس، علامت طشتدار، طشت و ابریق، علامت جامه‌دار بقجه، علامت امیرآخور، نعل و علامت چاووش، قبه طلایی بود. این علامت‌ها را بر روی کلاه‌هایشان (قلانیس: جمع قلنسوه) می‌دوختند به طوری که از فاصله دور هم قابل تشخیص بود. این گزارش ظاهراً در نسخه خطی *عقدالجمان* نوشته بدرالعینی نیز آمده است.^۴ از آنجا که بسیاری از بردگان صالح ایوب و سپاهیان وی که بعدها پایه‌های سلطنت ممالیک را تشکیل دادند، خوارزمی بودند، می‌توان احتمال داد که این سنت به واسطه ایشان به تشکیلات ممالیک راه یافته باشد.

۳- در صورت صحت فرض دوم، در مرحله‌ای دیگر می‌توان چنین پنداشت که خوارزمیان نیز به نوبه خود در زمینه استفاده از رنگ از سنت‌های کهن‌تر ایرانی پیروی کرده باشند.

۴- با توجه به ارتباط گسترده ممالیک با اروپای مسیحی پس از جنگ‌های صلیبی و نیز سابقه کهن استفاده از نشان‌های خانوادگی اروپا، احتمال اقتباس این سنت از اروپای مسیحی نیز قابل بررسی است؛ اما تفاوت‌های فراوانی که میان نشان‌های اروپایی و نظام رنگ در جهان اسلام وجود دارد، این احتمال را تا حد زیادی تضعیف می‌کند: زمین‌داران و فئودال‌های اروپایی نشان‌هایی خانوادگی داشتند که نسل به نسل از پدران به فرزندان به ارث می‌رسید. از سوی دیگر نظام موروثی زمین‌داری در اروپا مستلزم خدمت اجباری نظام بود.^۵ زمین‌داران، برای اعلام حضور در جنگ‌ها، نشان‌های خانوادگی خود را که طی نسل‌های متمادی کاملاً شناخته شده و

۱. ولادیمیر تسوف، ۲۹۲، پانویس ۶.

۲. ارجح، «پرچم (۱)»، *دانشنامه جهان اسلام*، ج ۵/۵۳۰-۵۴۸.

۳. ابوالفداء، ج ۳/۱۸۳-۱۸۴.

۴. نسخه خطی *عقدالجمان* محفوظ در دارالکتب المصریه، ۴۱۴/۵۲ به نقل از الباز العرینی، ۲۲۷.

۵. این شیوه از برخی جهات قابل قیاس با نظام اقطاع در سنت سلجوقی است.

مشهور بود، در پرچمها، لباسها و ابزارهای جنگی خود به کار می‌بردند. در واقع این نشانها معرف هویت شخصی و خانوادگی هر رزمنده بود. همچنین چون در جنگها یا در مسابقات و نمایشها، فرماندهان و مقامات عالی‌رتبه نظامی و شوالیه‌ها کلاه‌خودی به سر می‌گذاشتند که تمام چهره را کاملاً می‌پوشاند، تشخیص هویت آنها تنها از روی نشان کلاه‌خودی که بر سر یا سپر و پرچمی که در دست داشتند میسر می‌شد؛ در حالی که رنک‌های اسلامی، جنبه معرفتی فردی نداشت و معرف منصب و صنف بود. از این‌رو افراد متعددی در طول زمان می‌توانستند صاحب یک رنک باشند.

برخی محققان مسلمان نه تنها احتمال اقتباس رنک از اروپای مسیحی را مردود می‌دانند، بلکه با توجه به اینکه اوج گسترش استفاده از نشانها در اروپا مقارن روزگار جنگ‌های صلیبی و پس از آن بوده است، بر این باورند که اصولاً گسترش استفاده از نشانها در اروپا خود، نتیجه آشنایی آنان با نظام رنک در دوره ممالیک بوده است.^۱

انواع رنک

پیش از دوره ممالیک، نظام نشانها و شعارهای مصور بسیار ساده و ابتدایی بود و عمدتاً در نقش پرچمها و گاه مهرها خلاصه می‌شد؛ اما در این دوره، برای استفاده از علائم و نشانها در تشکیلات اداری و نظامی شیوه منسجم و قاعده‌مندی پی‌ریزی شد. در منابع مربوط به این دوره عنوان‌های رنک (جمع آن رُنوک)، علامه و شعار برای اشاره به این نشانهای رسمی مورد استفاده قرار می‌گرفت، هر چند واژه شعار حوزه‌ای عام‌تر را شامل می‌شد؛ برای مثال شعار سلطنت بر تمام لوازمی که به هنگام جلوس سلطان با تشریفات و آداب خاص در اختیار وی قرار می‌گرفت اطلاق می‌گردید، مثل چتر، لباس مطرز، پرچم مخصوص و ... که همه این لوازم با رنک مخصوص سلطان، از شعار وزارت و دیگر مناصب دولتی متمایز می‌شد.^۲

رنک در ابتدا مخصوص سلاطین و امرا بود. در اواخر دوره ایوبی و در دوره ممالیک بحری،

۱. برای نمونه نک: حسن پاشا، ۳۵۰/۱ - ۳۵۱؛ ۶۰/۲.

۲. برای شعار سلطنت نک: ابن تغری بردی، *النجوم*، ۴۱/۷؛ ۲۶۵/۸؛ ۹۹/۹؛ ۶۰/۱۰؛ ۲۵۴؛ ۳۱۹/۱۱؛ درباره شعار وزارت و دیگر مناصب دولتی نک: ابن کثیر، ۳۱۲/۱۳؛ جبرتی، ۵۴/۱؛ ۷۸/۲؛ ۵۲۶؛ ۱۳/۳؛ ۴۹۵؛ ۶۰۷؛ درباره شعار خلافت نک: قلقشندی، *مآثرالانافة*، ۲۳۲/۲ - ۲۴۴؛ درباره تمایز شعار سلطنت از شعار امرا نک: مقریزی، *سلوک*، ۴۷۵.

رنک را سلطان به هنگام انتصاب امرا به آنها اعطا می‌کرد؛^۱ اما در دوره ممالیک برخی امیران در مواردی مجاز بودند که خود رنک ویژه‌ای برای خود برگزینند.^۲

نقش رنک معمولاً بر حسب نوع وظیفه هر امیر، معرف منصب او بود که با رنگی خاص غالباً درون دایره‌ای ترسیم می‌شد. در مواردی هم رنک بدون خط محیطی بود؛ مثل رنک بیبرس (نک: ادامه مقاله). در دوره‌های متأخرتر، رنک‌ها عمدتاً درون دایره با اشکال هندسی دیگری از جمله بیضی، مربع و... محاط می‌شدند. به گمان برخی خاستگاه رنک‌های بدون محیط پرچم‌ها و بیرق‌ها بوده، سپس تحت تأثیر اشکالی که بر سپرهای دایره‌ای رسم می‌شد، این تصاویر هم درون دایره ترسیم شدند و بدین‌سان نقش کردن رنک در زمینه‌ای پنج ضلعی نیز در نتیجه آشنایی ممالیک با سپرهای ۵ ضلعی صلیبیان رایج گردیده است.^۳

به هر روی زمینه محیطی غالب رنک‌ها دایره بود. گاه هر دایره به دو یا سه منطقه افقی تقسیم می‌شد که هر قسمت را شَطْب یا شَطْفَه می‌خواندند^۴ و در هر قسمت نقش معینی ترسیم می‌کردند. این در مواردی بود که یک امیر همزمان صاحب دو یا سه منصب بود و یا اینکه مایل بود مناصب پیشین خود را در رنک جدیدش نشان دهد.

رنگ زمینه رنک‌ها معمولاً زرد بود. ظاهراً این رسم به تبعیت از پرچم‌های زرد ایوبیان در میان ممالیک هم رواج یافته بود. در این دوره سنجق‌ها و چترهای سلطانی هم به رنگ زرد بودند. ادعای برخی از خاورشناسان در مورد اثرپذیری ممالیک از روم شرقی در کاربرد رنگ زرد، به احتمال زیاد، خطاست؛ زیرا هیچ سند و مدرکی که نشان‌دهنده این اقتباس باشد، در دست نیست. در مناطق تابع مملوکان نیز رنگ زرد برای رنک‌ها و پرچم‌ها رواج داشت. در سفرنامه راهبی اسپانیایی از فرقه فرانسیسکنها (قرن هشتم/چهاردهم) آمده است که بر پرچم شام از توابع ممالیک، هلالی^۵ سفید بر زمینه‌ای زرد نقش بسته بود و در شهر اسکندریه بیرقی

۱. برای نمونه نک: ابن تغری بردی، ۴/۷.

۲. فلقشندی، صبح، ۶۱/۴-۶۳.

۳. محرز، ۴۶۲.

۴. ابن تغری بردی، المنهل الصافی، ۱۴/۳؛ صفدی، الوافی، ۳۳۵/۹؛ یونینی، ۳۷۵ ذیل سال ۶۷۳.

۵. نقش هلال هم سابقه‌ای طولانی دارد. در منابع اسلامی گفته شده که در شهر سرای پایتخت آلیتن اردو بر بالای اقامتگاه سلطان، هلالی از طلا وجود داشته است. در سکه‌های قبیچاق‌ها نیز شکل هلال مشاهده شده است. نقش هلال در حکومت‌های مغول حائز اهمیت بسیار بوده است. در باب مفهوم نماد هلال در آرم‌شناسی اسلامی نمی‌توان با اطمینان سخن گفت. گفته شده که هلال در واقع نشان‌دهنده نعل اسب‌های خاورمیانه‌ای و نمادی از

بود که در مرکز زمینه زرد آن، داخل دایره‌ای سیاه‌رنگ، تصویر شیر دیده می‌شد.^۱ رنگ پرچمهای سلطان کتبغا نیز در طول حکومتش، زرد بوده است.^۲ اما نقش رنگ معمولاً با رنگهای متنوعی که بیشتر به انتخاب و سلیقه صاحب رنگ بستگی داشت، ترسیم می‌شد، برای نمونه رنگ آفوش الافرم نایب شام، دایره‌ای بود که درون آن به سه قسمت تقسیم شده و در وسط آن شمشیری سرخ‌رنگ بود که درون شطفه‌ای سبز قرار داشت و دو منطقه بالا و پایین دایره سفیدرنگ بود. به روایت ابن تغری بردی^۳ رنگ افرم به غایت زیبا و ظریف بود چندان که برخی از زنان، مچ دست خود را با نقشی چون نقش رنگ او تزیین می‌کردند.

براساس منابع و اسناد مربوط می‌توان نقش‌های رنگ‌ها را عمدتاً بر سه نوع حیوانی، گیاهی و نقوش اشیاء و ابزارها مثل شمشیر، دوات، بقچه و... که نشان تشکیلات اداری و نظامی بود تقسیم کرد.

۱- رنگ با نقش حیوانی

با توجه به سنت حرمت صورت‌گری به ویژه تصویر کردن حیوانات و انسانها در شریعت اسلام، نقوش حیوانی به طور کلی در نگارگری و هنر اسلامی، نسبت به نقوش استیلیزه گیاهی و نیز اشیاء بی‌جان، از بسامد بسیار کمتر و محدودتری برخوردار است. از همین‌رو، در بررسی نقوش رنگ‌ها نیز، در مقایسه با کاربرد فراوان نقش اشیاء و ابزارها، موارد استفاده از نقوش حیوانی بسیار محدودتر بوده است.^۴ مهم‌ترین نمونه‌های رنوک حیوانی رنگ‌هایی با نقش شیر یا عقاب است. نقش شیر، رنگ مخصوص بیبرس بود (نک: تصویر شماره ۱). و این نشان از چنان شهرتی در دوره ممالیک برخوردار بود که گاه از بیبرس با لقب شیر یاد می‌شده است.^۵ برخی انتخاب این رنگ را با معنی واژه بیبرس (= پلنگ) در ارتباط می‌دانند؛ اما به نظر می‌رسد بیشتر، افاده معنای شجاعت و قدرت از آن مدنظر بوده است.

منصب امیرآخور بوده است.

۱. ارجح، «پرچم (۱)»، دانشنامه جهان اسلام، ۵/۵۳۰-۵۴۸.

۲. ذهبی، ۳۴/۵۲.

۳. ابن تغری بردی، المنهل، ۱۴/۳؛ صفدی، الوافی، ۳۳۵/۹.

۴. برای نمونه‌هایی از استفاده از نقش حیوانی بر پرچم‌های قرون اولیه اسلامی نک: طبری، ۴/۴۲۴.

۵. عینی، عقدالجمان، ۲۶۱/۱.

در بیشتر بناها و عماراتی که در دورهٔ بیبرس به دستور او ساخته شده، رنک مخصوص او به کار رفته است. از مشهورترین این بناها، پل درندگان (قناطر السباع)^۱ است که نامش را نیز از رنک بیبرس گرفته است.^۲ به گزارش مورخان ملک‌الناصر محمد بن قلاوون به بهانه ارتفاع بیش از حد پل به یکی از امیرانش به نام علاءالدین علی بن حسن مروانی دستور داد که پل را ویران سازد و پل دیگری را به جای آن بنا کند که وسیع‌تر اما کم‌ارتفاع‌تر باشد. دستور سلطان اجرا شد؛ اما شایعه‌ای بر زبانها افتاد که قصد سلطان در واقع محو رنک سلطان بیبرس بوده است. «سلطان را این گفتگوها گران آمد و دستور داد تا بار دیگر نقش شیران را بر بدنه پل اعاده کنند». رنک‌ها از جمله در مورد فوق کمابیش به مثابه کتیبه بنا، سازنده یا بانی بنا را معرفی می‌کرده‌اند، گاهی اوقات نیز این رنک در کنار کتیبهٔ خطی به کار می‌رفت. برای نمونه بر درهای یکی از زوایای صوفیه قلندریه در دمشق (کنار مزار سیده سکینه)، علاوه بر کتیبه‌ای که سازندهٔ زاویه را «السلطان الملك الظاهر الصالحی» معرفی می‌کند نقش شیر هم رسم شده است.^۳

در دورهٔ حکومت بیبرس، رنک او کاربرد گسترده‌ای داشت. چنان‌که روی نامه‌های رسمی و اداری نیز به جای مهر و تمغه، رنک سلطان به کار می‌رفت. به گزارش عینی^۴، بیبرس نامه‌ای را که در سال ۶۶۷ برای أبغا التتری نوشت با رنک شیر مهر کرد. در جشن پیروزی بیبرس بر مغولان در ۶۷۱، نیز برخی شعراء، اشعاری سروده بودند و در آن از شجاعت بیبرس و نقش شیر رنک او بر پرچم‌های سپاه جنگجویان سخن رانده بودند.^۵

با اینکه در دوره ممالیک رنک‌ها عمدتاً درون دایره محیطی یا گاه درون اشکال دیگر مثل مربع یا اشکال نوک تیز رسم می‌شد، اما رنک شیر بیبرس بدون خط محیطی بود. شیر را در حالیکه پای راست و دمش را بالا گرفته بود، نقش کرده بودند چنان‌که گویی به جلو گام برداشته است.

۱. سباع جمع سبع به معنی حیوان درنده. ابن ابی‌جمله (سکردان السلطان، ص ۱۰) در روایتی بی‌اطلاعی فارسی‌زبانان دربارهٔ اشتراک لفظی سبع (به معنی هفت) و سبع به معنی جانور درنده را به سخره گرفته است. به روایت او در مجلسی ادبی که موضوع آن تاریخچه عدد هفت در روایات و احادیث و تاریخ مصر بود، یکی از دانشمندان عجم اظهار داشت، رنک ملک الظاهر نیز سبع بود!! و حاضران به او خندیدند.

۲. مقریزی، *المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط والآثار*، ۱۴۶/۲-۱۴۷؛ یوسفی، ۲۶۴-۲۶۵.

۳. ابن طولون دمشقی، پانویس ۶۱.

۴. عینی، ۴۳/۲.

۵. عینی، ۱۰۴/۲.

۶. نک: تصویر شماره ۱.

نقش حیوانی دیگر نقش عقاب بود (نک: تصویر شماره ۲). در دوره ایوبیان نیز از این نقش به عنوان نشان مخصوص استفاده می‌شد. برای نمونه گفته می‌شود که عقاب نشان شخصی صلاح‌الدین ایوبی بود در باب الشعریه، یکی از درهای باروی صلاح‌الدین در قاهره، این نشان رسم شده است.^۱ همچنین شکل عقابی دوسر، نشان بدرالدین بیسری (از ممالیک صالح ایوب) بوده است.^۲

در موزه‌های آثار مصر دوره اسلامی، برای نمونه در مجموعه کامل غالب و متحف الفن الاسلامی در قاهره تکه‌هایی از سفالهای مربوط به دوره ممالیک نگهداری می‌شود که نقش عقاب با بالهای گشوده و گاه به صورت دوسر، بر آنها نقش شده است.^۳ امیر أقوش (آق قوش = پرنده سفید)، بر اساس معنای اسمش پرنده‌ای سفید را به عنوان رنک انتخاب کرده بود.^۴ در مواردی هم رنک با نقش اسب دم‌بریده دیده می‌شود که ظاهراً رنک برید بوده است (نک: تصویر شماره ۳).

رنوک با نقش گیاهی

رایج‌ترین نقش گیاهی که به عنوان رنک کاربرد داشت، تصویر گل زنبق بود (نک: تصویر شماره ۴). در این مورد ویژه شباهت زیادی میان این رنک‌ها و نشان خانواده شاهی فرانسه که آن هم گل زنبق بود، وجود دارد. در برخی وقایع نامه‌های جنگجویان صلیبی و سفرنامه‌های اروپاییانی که به سرزمینهای شرقی سفر کرده‌اند به این شباهت اشاره شده است. سیاحی فرانسوی به نام برتراندو دوله بروکوئیر^۵، رنک گل زنبق بر دیوارهای دمشق را بسیار شبیه نشان خانواده شاهی فرانسه دانسته است. این نقش به سلطان برقوق نسبت داده شده است. در دو سفرنامه دیگر هم به نشان مشابهی در قلعه دمشق، اشاره شده است.^۶ شکل ساده شده (استیلیزه) گل سرخ (رز) به صورت عمدتاً چهار، پنج یا شش پر نیز از دیگر نقش‌های رایج گیاهی بر رنوک بود (نک: تصویر شماره ۵).

۱. حسن پاشا، ۳۱۰/۲.

۲. حسن پاشا، ۴۸۰/۴؛ تصویر شماره ۷۸۱.

۳. نک: *اطلس الفنون*، ۶۴ و ۶۵ تصاویر شماره ۱۹۷ و ۱۹۹.

۴. حسن پاشا، ۲۵۹/۲.

5. Bertrand de la Broquière, P. 37.

6. Ludovico de varthema, P.8; Jean Thenaud, *Le Voyage d'outremer* (ed.) Schefer. P.114; Mayer. P. 2.

سلطان شعبان، علی و حاجی از خاندان قلاوون نیز نقش گل زنبق را بر سکه‌هایشان حک می‌کردند.^۱

رنوک تشکیلاتی

اما متداول‌ترین رنک‌ها از نوع سوم بود و در تشکیلات اداری و نظامی ممالیک کاربرد داشت. هر امیر و بیوتات تابع او^۲ نشان ویژه‌ای داشت که معرف مقام و منصب او بود. رایج‌ترین این رنوک اینها است: دوات برای منصب دواتدار؛ شمشیر برای منصب سلاحدار؛ کمان برای بندقدار؛ نعل هلالی برای امیرآخور؛ بقچه برای جمدار/جامه‌دار؛ کاسه یا جام برای ساقی؛ چوب و توپ چوگان برای چوگاندار؛ خونجه برای چاشنی‌گیر؛ دو پرچم برای علمدار؛ طبل و دو چوب ضربه برای طبل‌دار؛ طشت برای طشت‌دار؛ کفش برای بَشْمَقْدار؛ چماق برای چماقدار؛ تبر برای تبردار/طبردار و قبه طلایی برای چاووش.^۳

نوع دیگر رنک که کمتر کاربرد داشت، رنک نوشتاری (خرطوش) بود که مخصوص سلاطین و شامل اسم و لقب آنها بود^۴ (نک: تصویر شماره ۶)

علامت رنک هر امیر را در آثار معماری و ساختمانهای مربوط به وی از جمله بر پنجره‌ها، درها، ستونها و دیوارهای خانه یا محل کار او و نیز اسلحه، سکه‌ها، چراغها، پوشش ستوران، پارچه‌ها، فرش‌ها، نسخه‌های خطی، ظروف آبخوری، بشقاب و انواع ظروف، عطردانها و دیگر اشیاء مورد استفاده در حوزه کار وی نقش می‌کردند.^۵

طبق اطلاعات به دست آمده از منابع مربوط به دوره مملوک، مکانها و مواضع کاربرد رنک بسیار متنوع بوده است. در مجلس دیدار هر امیر با درباریان یا مردم، پشت سر او پرده‌ای از ماهوت سرخ بود که روی آن رنک آن امیر نقش شده بود.^۶

بر در، سردر و دیوارهای ساختمانها و خانه‌های امرا برای نشان دادن جایگاه سلطانی و امارت آنان رنک هر امیر ترسیم می‌شد. برای نمونه امیر نوروز برای تحکیم موقعیت خود در بدو ورود به

۱. الباز العرینی، ۲۲۹.

۲. درباره بیوتات تابع هر امیر نک: قلقشندی، ۶۰/۴ (مصر ۱۹۶۳).

۳. نک: تصویر شماره ۷.

۴. درباره انواع خرطوش نک: محرز، ۴۶۲-۴۶۳.

۵. قلقشندی، همان، ۶۱/۴-۶۳.

۶. قلقشندی، همان، ۶۳/۴.

قاهره یکی از عمارتهای مشهور قاهره موسوم به بیت قوصون را تعمیر کرد، آن‌گاه رنک خود را به نشانه مالکیت آن بر عمارت مذکور نصب کرد و در آنجا ساکن شد.^۱ در بقایای خانه‌ای در قاهره، از روی رنوک باقی مانده، تشخیص داده‌اند که متعلق به سلطان قایتبای بوده است.^۲ نظارت بر نحوه کار برخی تأسیسات مهم دولتی مثل بیمارستانها، بر عهده سلطان یا نماینده منتخب او بود؛ از این‌رو، پس از جلوس هر سلطان رنک ویژه او بر در این بناها نصب می‌شد. در بیمارستان منصوری قاهره که از مهم‌ترین تأسیساتی بود که زیر نظر سلطان یا نماینده مخصوص او، به فعالیتهای آموزشی و درمانی مشغول بود، در آغاز کار هر سلطان رنک قبلی را برمی‌داشتند و رنک سلطان تازه بر تخت نشسته را بر در بیمارستان نصب می‌کردند.^۳ گاه طرف برنده در رقابتها و کشمکش‌های سیاسی و درباری برای به رخ کشیدن موفقیت و برتری خود و تنافس با اقران رنک خود را در جایی که رشک و حسادت آنها را برانگیزد نصب می‌کرد.^۴

اقدام در تأسیس یک بنا نیز مجوز دیگری برای نصب رنک و معرف بانی آن بود، مانند پل درندگان بیبرس.^۵ بر در ورودی اسطبل‌های سلطانی هم رنک سلطان و امیرآخور به نشانه تأسیس یا مالکیت آن ترسیم می‌شد. در جنگهایی که با محاصره و فتح قلعه‌ای همراه بود، معمولاً فاتح برای نشان دادن غلبه، در بدو کار، رنک خود را بر تأسیسات مهم درون قلعه مثل اسطبل، نقش می‌کرد.^۶

نامه‌های رسمی سلطان به دولتهای مجاور یا طرفهای متخاصم با رنک مخصوص سلطان مهر می‌شد، اما نامه‌های داخلی با رنک تشکیلات متبوع مهر می‌گردید.^۷ ضرب سکه جدید یا تغییر عیار سکه‌ها نیز با نقش رنک سلطان یا امیر، اعتبار می‌یافت.^۸ خلعت‌هایی که سلاطین یا

۱. ابن تغری بردی، *النجوم*، ۱۳/۱۹۹.

۲. حسن پاشا، ۱/۳۷۰، تصویر شماره ۳۲۸ درج ۴.

۳. ابن تغری بردی، *النجوم*، ۱۵/۳۵.

۴. مقریزی، *خطط*، ۲/۴۷.

۵. برای نمونه‌های دیگر رنک: ابن تغری بردی، همان، ۹/۶۳؛ ابن حجر عسقلانی، *الدرر*، ۲/۱۶۵.

۶. ابن تغری بردی، ۱۱/۱۵۸.

۷. عینی، *عقدالجمان*، ص ۴۲-۴۳.

۸. مقریزی، *سلوک*، ۸۵۷؛ یونینی، ذیل سال ۶۷۳.

امرا به اطرافیان می‌بخشیدند، نیز منقوش به رنگ آنها بود.^۱ محمل و کجاوه سلطان یا امیران نیز با رنگ مخصوص آنها، نشان‌گذاری می‌شد.^۲

در واقع کاربرد رنگ، حوزه بسیار وسیعی را دربرمی‌گرفت، حتی در مواردی رنگ سلطان یا امیر بر سنگ قبر او هم نقش می‌شد. یک نمونه مهم کتیبه قبر قانصوه در دمشق است که شامل تاریخ وفات او در ۹۰۴ هـ و رنگ او درون یک دایره است.^۳

در جنگها نیز، همه ابزار و ادوات جنگ، پرچمها و لباسهای رزم با یک رنگ مشترک و متحدالشکل علامت‌گذاری می‌شد.^۴ طبق یک روایت جالب توجه، در جنگی میان قلاوون و کنت اصطبل، عموی صاحب سیس (متملك سیس)، قلاوون به پیروزی رسید و کنت به دست یکی از سربازان شمس‌الدین آقسنقر فارقانی اسیر شد. سلطان سرباز را جایزه داد و برای اینکه افتخار به اسارت گرفتن کنت به دست وی را ماندگار سازد، به او دستور داد که تا پایان عمر، نشان ویژه کنت را به عنوان رنگ مخصوص خود در جنگها بر روی پرچم خود به همراه داشته باشد.^۵

در جشنهایی که به مناسبت بازگشت پیروزمندانه سپاهیان به پایتخت برگزار می‌شد، برای تزیین بناها و خیابانهای شهر بیشتر از نقوش رنگها بر برجهای چوبین در خیابانها و رنگ‌آمیزی مجدد دروازه‌های شهر و زراندود کردن آنها با این رنگ استفاده می‌کردند. در این جشنها، رنگها را بیشتر به رنگ طلایی و زرد بر دروازه‌های شهر رسم می‌کردند.^۶

به طور خلاصه، بر اساس اطلاعات به دست آمده از منابع تاریخی این دوره، ابنیه، ابزارهای کار، لباسها، ظروف و دیگر متعلقات سلاطین و نیز سازمانهای اداری تحت مدیریت امیران، با رنگ ویژه آنها علامت‌گذاری می‌شد. علاوه بر روایات تاریخی حجم انبوهی از اشیاء به جامانده از دوره ممالیک که اکنون در موزه‌های معتبر جهان نگهداری می‌شود، منابع مهمی برای تحقیق درباره رنگ و نقوش رنگها به شمار می‌آید: ظروف سفالی، شیشه‌ای شامل جامها، کاسه‌ها،

۱. ابن حجر عسقلانی، الدرر، ۲۹۵/۴.

۲. همو، انباء الغمر بأبناء العمر، ۱۳۴/۲.

۳. ابن طولون دمشقی، اعلام الوری، ۱۰۱.

۴. مایر، الملابس المملوکیة، ۶۶-۶۸، ۷۸-۸۶؛ عینی، عقدالجمان، ۱۸۸/۳.

۵. عینی، ۲۲/۲.

۶. ابن طولون، مفاکة الخلان، ۴۴/۲؛ ایالون، «جنگ، دوره ممالیک»، دانشنامه جهان اسلام (ترجمه از EI^2).

چراغها و... صندوقهای چوبی، پارچه‌ها و فرش‌هایی از این دوره به جامانده که رنک سلاطین و امرا بر آنها نقش شده است.

چنانکه از گزارش قلقشندی^۱ برمی‌آید، در مصر دوره ممالیک اصناف اجتماعی و صاحبان حرف نیز به تناسب شغل و حرفه خود، رنک ویژه‌ای داشتند. طبق گزارش قلقشندی در شب عیدین (فطر و اضحی)، در پی اعلام عمومی، اهالی هر بازار در کوچه‌ها و معابر عمومی جمع می‌شدند، زیباترین لباسهای خود را می‌پوشیدند و کمان یا سلاح تزیین شده‌ای به همراه می‌آوردند و به خارج از شهر می‌رفتند و تا صبح در آنجا می‌ماندند. اصناف مختلف بازار هریک پرچمی به همراه داشتند که برحسب حرفه و شغل هر صنف، نقش معینی بر آن ترسیم شده بود.

درباره رنک امیران و دولتمردان مملوک این سؤال هم مطرح می‌شود که آیا با تغییر مناصب آنها، رنک و نشان سابق آنها، متناسب با منصب جدید تغییر می‌کرده یا نه؟ بر اساس اطلاعات به دست آمده از منابع، در بسیاری از موارد، نخستین رنک هر امیر در مناصب بعدی او نیز حفظ و تکرار می‌شد. یا اینکه رنک منصب جدید در کنار رنک سابق او به صورت مرکب، ترسیم می‌شد. نمونه‌ای مهم در توضیح این مطلب رنک سلطان قانصوره غوری است. رنک سلطان غوری به شکل دایره‌ای بود که مربعی آبی‌رنگ را احاطه کرده بود. این چارچوب به سه قسمت/بخش افقی تقسیم می‌شد، قسمت وسط زرد رنگ بود که درون آن قلمدان و دواتی قرار داشت و در دو طرف شکلی شبیه دو شاخ که نماد چوب ضربه طبل بود^۲ رسم شده بود. قسمت بالایی سرخ‌رنگ و در آن بقچه مربع شکل منقوش بود و قسمت پایینی سیاه رنگ بود با نقش کاسه.^۳ آنچه از نقوش رنک اودر مقایسه با اطلاعات تاریخی، قابل توضیح است، دو نقش کاسه و

۱. قلقشندی، صبح‌الاعشی، ۲۰۷/۵.

۲. درباره این اشکال شبیه شاخ، تفسیرهای مختلفی گفته شده است: علاوه بر چوب ضربه طبل، این احتمال که نماد بوق باشد نیز مطرح شده است (حسن پاشا، ۳۵۱/۱). نیز گفته شده که ممکن است نوعی باروت‌دان باشد، زیرا از اواخر قرن نهم بود که استفاده از تفنگ و باروت به مصر مملوکی راه یافت (مایر) درباره دیگر فرضیات نک: احمد، ۷۷.

۳. در یک نقاشی مشهور منسوب به نقاش ایتالیایی جنتیله بلینی Gentile Bellini، حضور سفیر اروپایی دومنیکو تریویزانو و هیأت همراه در دربار سلطان قانصوه در ۱۵۱۲م، با همه جزئیات، از جمله نقش رنک سلطان که بر دیوارهای نقش شده بود، ترسیم شده است. این نقاشی اکنون در موزه لوور پاریس نگهداری می‌شود. برای تصویری از این نقاشی نک: حسن پاشا، ۴۰۱/۵؛ درباره حضور این سفیران در دربار قانصوه نک: ابن ایاس، بدیع—

دو چوب طب است؛ زیرا غوری قبل از سلطنت همزمان امیر طبل‌خانه و شرابخانه بود^۱؛ نکته مهم اینکه رنک او در زمان سلطنت، شامل علامتهایی بود که متضمن مناصب پیشین او بود. نمونه دیگری در روایتی از ابوالفداء^۲ مشاهده می‌شود: امیر سیف‌الدین طوغای با رنک خونجه [خونجه/خوانجه] = سفره [به جای تاج‌الدین بن الزین خضر که رنک او دو عصای چوگان [جوکانین] بود، به نیابت حلب انتخاب شد. مردم حلب از این تغییر نایب شادمان شدند و جشن گرفتند؛ برخی اشعار در این باره در میان مردم خوانده می‌شد، از جمله اینکه روزگار چه حادث عجیب و بدیعی پیش می‌آورد؛ رنک ضرب (یعنی عصای چوگان که با آن توپ چوگان را می‌زنند) ما را ترک کرد و رنک بلع (خونجه که رنک چاشنی‌گیر بود) به ما روی آورد.^۳ این روایت نشان می‌دهد که هردو نایب، رنوک مناصب قبلی خود (چوگان‌داری و چاشنی‌گیری) را در منصب نیابت هم حفظ کرده و بدان مشهور بودند. روایت دیگر مربوط به رنک سلطان ایبک (۶۴۸-۶۵۵) است. او که از ممالیک صالح نجم‌الدین ایوب بود، در دستگاه ایوبیان به مقام چاشنی‌گیری رسیده بود. از این رو رنک او تصویر خونجه بود.^۴

در موزه ویکتوریا و البرت، رنکهایی از آق‌بغا وجود دارد که نشان می‌دهد در دو زمان مختلف که مناصب مختلفی داشته از یک رنک استفاده می‌کرده است.^۵ پرسش دیگری که درباره رنک می‌توان طرح کرد این است که آیا رنوک اسلامی مانند نشانهای خانوادگی اروپایی از پدران به فرزندان به ارث می‌رسیده یا نه؟ بر اساس آنچه تاکنون گفته شد، پاسخ این است که رنوک تشکیلاتی، اشکال ثابتی بوده که در طول زمان افراد مختلفی که در رأس مناصب دولتی قرار می‌گرفتند از همان رنک سابق استفاده می‌کردند. در واقع رنک ویژه منصب بود، نه صاحب منصب؛ بر خلاف وضع نشانها در اروپا که بیشتر خصوصی و معرف هویت خانوادگی اشخاص بود. با این توضیح مسأله توارث رنک‌ها در سنت اسلامی

→ الزهور، ذیل «قدوم سفارة البندقیة الی القاهرة و استقبال السلطان قانصوره الغوری»

۱. حسن‌یاشا، ۳۵۱/۱.

۲. ابوالفداء، ۱۴۹/۴.

۳. همانجا، کم‌اتی الدهر بطرد و بعکس و بیدع

راح عنا رنک ضرب و آتانا رنک بلع

۴. ابن تغری بردی، النجوم الزاهرة، ۴/۷؛ المنهل الصافی، ۱/۱؛ یونینی، ۵۴۱-۵۵.

۵. مایر، ۶.

منتفی است؛ اما درباره رنک سلاطین در مواردی وضع متفاوت بود و با سنت اروپایی شباهتهایی پیدا می‌کرد. منابع دوره مملوک نیز به این نکته اذعان دارند، چنانکه گفته شده است که آنوک بن قلاوون از امرای مملوک، رنک جدش قلاوون را برای خود برگزیده بود.^۱ در مواردی هم گزارش شده که دختران و زنان امرا و سلاطین از رنک پدران یا همسران خود استفاده می‌کردند تا از این طریق شناخته شوند.^۲

استفاده از رنک یک امیر یا سلطان از سوی فرزندان، زیردستان، سربازان یا بردگان او در برخی موارد به ویژه در جنگ‌ها یا اجتماعات مهم، برای نشان دادن حمایت و هواخواهی از صاحب آن رنک بود. چنانکه به روایت صفدی، یک سوم سپاهیان حلب که همراه قراسنقر به دمشق آمده بودند، رنک او را به نشانه هواخواهی ویژه از او با خود حمل می‌کردند و همین امر ترس و وحشتی در دل مخالفانش ایجاد کرد.^۳ اتباع مؤید شیخ موسوم به مؤیدیه، اتباع برقوق موسوم به ظاهریه و اتباع قایتبای موسوم به اشرفیه هر یک رنک ویژه‌ای را با خود حمل می‌کردند.^۴ در مواردی هم که فردی صاحب نام از سوی امیر یا سلطانی احساس خطر می‌کرد و یا به کمک او برای حفظ جاننش یا برآوردن خواسته‌اش نیاز داشت، با حمل رنک او خود را تابع و منقاد او اعلام می‌کرد و ارادت و دوستی خود را بدو بدین وسیله نشان می‌داد.^۵

طبق روایتی الملک الناصر داوود ایوبی، صاحب دمشق (سال ۶۳۳) برای نشان دادن تبعیت خود از خلیفه، رنک خود را به رنگ سیاه انتخاب کرد، خلیفه نیز بر القاب او افزود.^۶ عکس این امر نیز صادق بود یعنی بی‌احترامی به رنک، پاره کردن یا آلودن آن، نشانه اعتراض یا شورش بر ضد صاحب رنک بود.^۷

پرسش مهم دیگر که درباره رنک، این است که به چه دلیل در دوره ممالیک، نظام نشانه‌ها و شعارها، این چنین گسترش و نظم یافت، در حالیکه نظام نشانه‌ها در دولتهای پیشین بسیار ابتدایی بود و بیشتر در نقش پرچم‌ها و مهرها خلاصه می‌شد.

۱. ابن تغری بردی، المنهل الصافی، ۱۰۹/۳؛ صفدی، الوافی بالوفیات، ۲۴۵/۹؛ اعیان العصر، ۶۳۰/۱.

۲. یونینی، ۴۲۴.

۳. صفدی، الوافی بالوفیات، ۱۶۵/۲۴.

۴. احمد، ۹۲.

۵. صفدی، اعیان العصر و اعوان النصر، ۴۷۰/۲.

۶. ابن شاکر کتبی، فوات الوفیات، ۴۲۲/۱؛ ابن تغری بردی، المنهل، ۲۹۶/۵.

۷. برای نمونه‌ای در این باره نک: مقریزی، سلوک، ۲۲۵.

نخستین دلیل شاید این باشد که نظام تشکیلات اداری، مالی و نظامی به طور کلی در دوره ممالیک تحت نظم و انضباط دقیق و پیچیده و جزئی‌نگرانه‌ای درآمد. در واقع این دقت نظر را در همه تشکیلات و دیوانهای این دوره، می‌توان مشاهده کرد. برای نمونه دیوان انشاء و قوانین بیشمار نامه‌نگاری در این دوره چنان بود که حجم بیشتر کتاب مفصل صبح/اعشی، به توضیح و تبیین این قوانین اختصاص یافته است.

همچنین توجه به خاستگاه اجتماعی سلاطین مملوک، شاید در پاسخ به این پرسش راهگشا باشد. سلاطین مملوک چنانکه از نامشان پیداست از میان بردگان برخاسته بودند؛ و هرچند در ذکر این سابقه حتی در عنوانهای رسمی خود شرمی نداشتند^۱ طبیعی است که تأکید بر مقام‌ها و مناصب با اتخاذ نشانه‌های متفاوت، در میان ایشان، از ضرورت بیشتری برخوردار شده باشد. به عبارت دیگر فضای به قدرت رسیدن مملوکان به گونه‌ای بود که نشانه‌های مصور در آن به خوبی می‌توانست رشد کند و در واقع این محیط، استعداد پروردن و بسط دادن این شاخه از تشریفات را داشت. استفاده از رنگ نشانه تعلق به طبقه برتر اجتماعی بود. از این‌رو، در تمام دوره ممالیک، چه در دوره بحریان و چه در دوره برجیان (چرکس‌ها)، رنگ در تشکیلات اداری و نظامی دولت هم در مصر و هم در شام و دیگر مناطق تابع ممالیک رواج داشت. حتی در برخی مناطق که مستقل از ممالیک حکمرانی داشتند، به سبب همجواری و تأثیرپذیری از آداب و رسوم ممالیک، رنگ کاربرد داشت، برای نمونه صاحب التکرور یا صاحب مالی^۲ پرچمهایی داشت که رنوک زرد بر زمینه سرخ آن نقش شده بود.^۳

تفاوت رنگ در دوره ممالیک بحری و ممالیک برجی در این بود که در آغاز و در دوره بحریها رنگ مختص سلاطین بود و رنگ امیران را هم سلطان تعیین می‌کرد؛ اما به تدریج در اواخر دوره ممالیک برجی، هر امیر برای خود رنگ انتخاب می‌کرد و تقریباً از قرن نهم، از رنگ به عنوان نشانی گروهی برای نظامیان نیز استفاده می‌شده است.^۴

۱. مثلاً در معرفی بیبرس پس از القاب بیشمار به سابقه بردگی او اشاره شده است: عمود الدنیا و الدین، سلطان الاسلام و المسلمین، ملک الملوک و السلاطین، قاتل الکفار و المشرکین... خادم الحرمین، بیبرس پسر عبدالله، برده سابق صالح که خداوند بر قدرتش بیفزاید.

۲. منطقه تکرور از ۵ اقلیم مالی، صوصو، غانته، گوکو و تکرور تشکیل شده بود. از آنجا که مالی بزرگترین بخش بود، گاه سلطان تکرور با عنوان صاحب مالی خوانده می‌شد (قلقشندی، صبح/اعشی، ۲۹۲/۵).

۳. قلقشندی، همان، ۳۰۱/۵.

۴. مایر، ۴.

پس از فتح مصر به دست عثمانی‌ها و تغییر ساختار تشکیلاتی حکومت، کاربرد رنگ به تدریج محدودتر شد و از میان رفت. هرچند اعطای برخی نشانهای مصور از سوی پاشاها به امیران سنجق‌ها در کنار خلعت‌ها و هدایای دیگر تا مدت‌ها مرسوم بود.^۱ در واقع رنگ به صورتی که در دوره ممالیک رایج بود، از میان رفت؛ ولی نشانهای مصور به شیوه‌ای دیگر چنانکه در میان بسیاری دولتهای قدیم و جدید رایج بوده و هست، در میان عثمانی‌ها هم کاربرد داشت. مهم‌ترین این نشانها و نقش‌ها بر روی پرچم‌ها تصویر می‌شد. در دولت عثمانی از قرن نهم علاوه بر سنجق‌های سلطانی پرچمهای دیگری نیز بود که به اجاقهای قاپی قولی (مراکز پاسداران ینی‌چری)، رجال دولتی، بیگلربیگها، سنجق بیگی‌ها، فرمانده و رؤسای ناوگان و کشتی‌های بازرگانی تعلق داشت. این پرچمها رنگ‌ها و نقش‌های مختلف داشتند. برای نمونه لنگر کشتی، کلید، ماهی و جز آنها نشانه‌های ویژه پرچمهای گردانهای مختلف سپاه ینی‌چری بود و افراد این گردانها این نقشها را با مرکب یا باروت بر بازو یا ساق پای خود خالکوبی می‌کردند. در تاریخ عسکری عثمانی تألیف جواد پاشا به نقل از مارسیلی به این علامتها اشاره شده است. بعدها علامتهایی چون توپ و خمپاره نیز بر روی پرچمهای واحدهای نظامی از قبیل توپچیان، لغمچیان (نقب زنان) و خمپاره‌اندازان مشاهده می‌شود.

رنگ به مثابه سند:

یکی از کارکردهای مهم رنگ در تحقیقات و پژوهشهای امروزی علاوه بر کارکرد تاریخی و هنری آن در زمینه تاریخ هنرهای اسلامی، قابلیت استناد به آن در تحقیقات مربوط به حوزه تاریخ اجتماعی به ویژه در زمینه‌های تاریخ تشکیلات اداری و نیز زندگی روزانه (برای نمونه تاریخ لباس و سلاح) است. از آنجا که در دوره ممالیک بر حاشیه لباسهای مطرز رسمی امرا و سلاطین و لباسهای رزم و آلات حرب، رنگ مخصوص آنها را نیز نقش می‌کردند، پژوهشگر تاریخ لباس و تاریخ سلاح، با قطعیت بیشتری درباره این لباسها و ادوات و تاریخ استفاده از آنها داوری می‌کند، چنانکه یکی از منابع و استنادات مهم ماير در تألیف کتاب لباسهای مملوکی رنگ‌های منقوش بر لباسها و سلاحهای این دوره بوده است.^۲

۱. جبرتی، ۱۵۹/۱.

۲. ماير، ۲۰-۲۱، ۶۸، ۷۰، ۷۸-۷۹؛ برای نمونه‌هایی از نقش رنگ بر روی لباسها و سلاحها نک: همو، ۶۶، ۶۸، ۷۰، ۷۸-۷۹، ۸۷.

کتابشناسی

- آیالون، د. «جنگ، دوره ممالیک»، دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران، بنیاد دایرة المعارف اسلامی، ۱۳۸۶، ۷۴/۱۱-۸۰.
- ابن ابی جحله، احمد بن یحیی، *سکردان السلطان*، چاپ علی محمد عمر، قاهره ۱۳۷۹/۲۰۰۰م.
- ابن بی بی، یحیی بن محمد، *اخبار سلاجقه روم*، چاپ محمدجواد مشکور، تهران، ۱۳۵۰ش.
- ابن تغری بردی، جمال الدین ابوالمحاسن، *النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة*، مصر، المؤسسة المصرية العامة للتألیف و الترجمة، بی تا.
- همو، *المنهل الصافی و المستوفی بعد الوافی*، چاپ نبیل محمد عبدالعزیز، مصر، ۱۹۸۶-۱۹۸۸.
- ابن حجر عسقلانی، محمد بن علی، *أنباء الغمر بأبناء العمر*، چاپ محمد عبدالمعیدخان، حیدرآباد، ۱۹۶۸/۱۳۸۸.
- همو، *الدرر الكامنة فی اعیان المائة الثامنة*، چاپ محمد عبدالمعیدخان، حیدرآباد، ۱۹۷۲م.
- ابن شاکر کتبی، محمد، *قوات الوفیات و الذیل علیها*، چاپ احسان عباس، بیروت ۱۹۷۳.
- ابن طولون دمشقی، محمد بن علی، *اعلام الوری بمن ولی نائباً من الاتراک بدمشق الشام الكبرى*، چاپ محمداحمد دهمان، دمشق ۱۳۸۳/۱۹۶۴.
- همو، *مفاکهة الخلان فی حوادث الزمان*، چاپ محمد مصطفی، قاهره ۱۳۸۴/۱۹۶۴.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، *البدایة و النهایة*، بیروت، بی تا.
- ابوالفداء، اسماعیل بن علی، *المختصر فی اخبار البشر*، چاپ حسین مونس، قاهره، دارالمعارف ۱۹۸۸.
- احمد، عبدالرزاق احمد، «الرنوک علی عصر سلاطین الممالیک»، *المجلة التاريخية المصرية*، ج ۲۱، ۱۹۷۴.
- ارجح، اکرم، «پرچم (۱)»، *دانشنامه جهان اسلام*، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران، بنیاد دایرة المعارف اسلامی، ۱۳۷۹، ۵/۵۳۰-۵۴۸.
- انوری، علی بن محمد، *دیوان*، چاپ محمدتقی مدرس رضوی، تهران، ۱۳۶۴.
- بختورتاش، *نشان رازآمیز، گردونه خورشید یا گردونه مهر*، تهران، ۱۳۷۱.
- جبرتی، عبدالرحمن بن حسن، *تاریخ عجایب الآثار فی التراجم و الاخبار*، بیروت، دارالجیل، بی تا.
- حسن، زکی محمد، *اطلس الفنون الزخرفیة و التصاویر الاسلامیة*، بیروت ۱۹۸۱/۱۴۰۱.
- حسن پاشا، *موسوعة العمارة و الآثار و الفنون الاسلامیة*، قاهر، ۱۹۹۹/۱۴۲۰.
- دوبوکور، مونیك، *رمزهای زنده جان*، ترجمه جلال ستاری، تهران، ۱۳۷۳.
- ذهبی، محمد بن احمد، *تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام*، چاپ عمر عبدالسلام تدمری، بیروت ۱۹۸۷/۱۴۰۷.

- راوندی، محمدبن علی، *راحة الصدور و آية السرور در تاريخ آل سلجوق*، چاپ محمد اقبال، تهران ۱۳۶۴.
- صفدی، صلاح‌الدین خلیل بن اَبیک، *اعیان العصر و أعوان النصر*، چاپ نبیل ابوعمشہ، علی ابوزید و محمد موعد، دمشق، ۱۹۹۸/۱۴۱۸.
- همو، *الوافی بالوفیات*، چاپ یوسف فان اس. بیروت، ۱۹۸۲/۱۴۰۲.
- طبری، محمد بن جریر، *تاریخ الامم و الملوک*، بیروت، ۱۴۰۷.
- ظہیر فاریابی، طاهر بن محمد، *دیوان*، چاپ ہاشم رضی، تهران، بی تا.
- فریدریش، یوہانس، *تاریخ خطہای جہان*، ترجمہ فیروز رفاهی، تهران، ۱۳۶۸.
- قلقشندی، احمدبن علی، *صحح الاعشی فی صناعة الانشاء*، چاپ یوسف علی طویل، دمشق، ۱۹۸۷.
- همو، *مآثر الانافہ فی معالم الخلافة*، چاپ عبدالستار احمد فراج، کویت، ۱۹۸۵.
- کاشغری محمود بن حسین، *دیوان لغات التترک*، بی جا، ۱۳۳۳.
- مایر، *الملابس المملوکیة*، ترجمہ صالح الشیتی، مصر، بی تا.
- محرز، جمال محمد، «الرنوک المملوکیہ»، *مجلة المقتطف*، جزء ۵ از مجلد ۹۸، ۱۹۴۱.
- مقریزی، احمدبن علی، *السلوک لمعرفة دول الملوک*، چاپ محمد عبدالقادر عطا، بیروت ۱۹۹۷/۱۴۱۸؛ در [www. alwaraq.net](http://www.alwaraq.net).
- همو، *المواعظ و الاعتبار بذکر الخطط و الآثار*، قاہرہ، مکتبۃ الثقافة الدینیة، بی تا.
- نسوی، محمدبن احمد، *سیرت جلال الدین مینکبرنی*، چاپ مجتبی مینوی، تهران، ۱۳۶۵.
- ولادیمیر تسوف، بادیس یاکو و لیویچ، *نظام اجتماعی مغول*، ترجمہ شیرین بیانی، تهران، ۱۳۶۵.
- یوسفی، موسی بن محمد، *نزهة الناظر فی سیرة الملک الناصر*، چاپ احمد حطیط، بیروت، ۱۳۶۵/۱۴۰۶.
- یونینی، موسی بن محمد، *ذیل مرآة الزمان*، حیدرآباد، ۱۹۵۵/۱۳۷۵؛ در www. alwaraq.net.



تصویر ۱- رنگ سلطان بیبرس. شیر حجاری شده بر سنگ مرمر. موزه سفالهای اسلامی (Islamic Ceramic Museum))

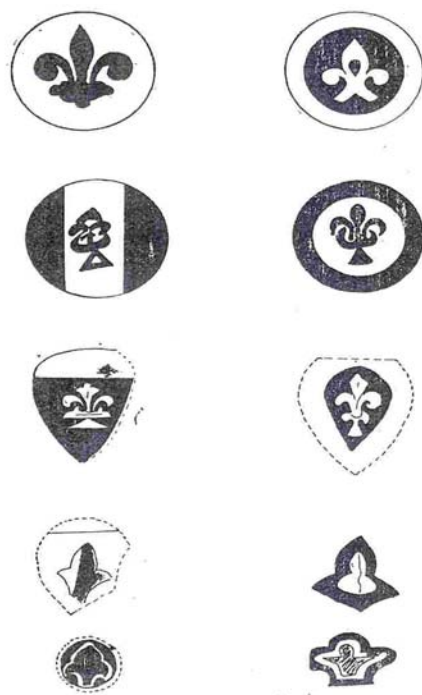


تصویر ۳- تکه سفال با نقش اسب که احتمالاً رنگ صاحب برید بوده است. موزه سفالهای اسلامی

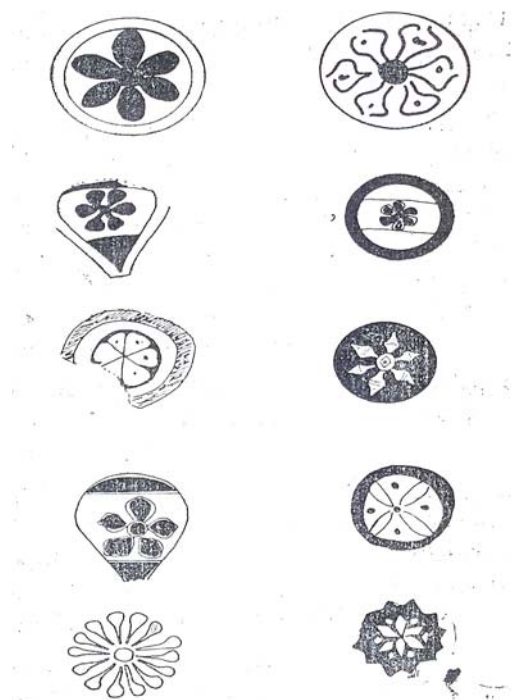


تصویر ۲- رنگ سلطان الناصر محمد بن قلاوون با نقش عقاب، کنده کاری بر سنگ مرمر. موزه سفالهای اسلامی

رنگ: نشانهای مصور در مصر مملوکی/۱۳۷



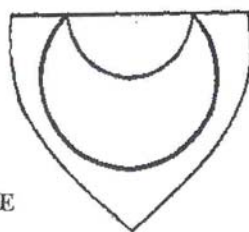
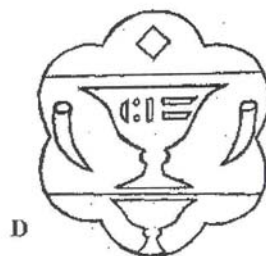
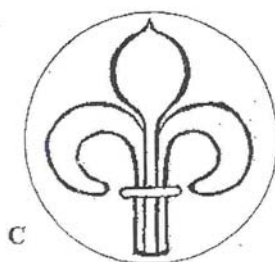
تصویر ۴- رنگ گل زنبق



تصویر ۵- رنگ گل سرخ (رز)



تصویر ۶- شمعدان مسی متعلق به سلطان قایتبای با رنگ نوشتاری (خرطوش)



تصویر ۷- طرح‌های رنوک جامه‌دار، ساقی، طبل‌دار، سلاح‌دار، دوات‌دار، آخور سالار (نقش نعل اسب) و رنک گل زنبق